



Identifying and examining the effective dimensions of the resistance's soft power on the Zionist regime's regional security

Ali Rahimipour^{1✉} | Reza yekdast²

1. Corresponding Author, Tactics Department, Faculty of Management, Imam Ali University, Tehran, Iran, Email: Alirahimipour2531983@gmail.com

2. Management Department, Faculty of Management, Imam Ali University, Tehran, Iran, Email: reza13710320@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Objective : To explain the theoretical and practical dimensions of soft power and examine how it affects international politics, focusing on the role of the Islamic Republic of Iran. Methodology: The present study is descriptive-analytical and has an applied approach. In terms of approach, this research is conducted within the framework of theoretical and comparative analysis and focuses on integrating theoretical findings with existing empirical data on Iran's soft power performance.
Article history: Received 1404/07/18 Received in revised form 1404/07/25 Accepted 1404/08/25 Published online 1404/10/05	Findings: The research findings show that the resistance axis led by the Islamic Republic of Iran, by utilizing soft power tools, has been able to challenge the security of the Zionist regime in various dimensions.
Keywords: <i>Power, Zionist regime, Islamic resistance, security, soft power</i>	Originality: In the dimension of legitimization, the resistance discourse relies on concepts such as "occupation" and "racist regime." In the dimension of internal security, strengthening the resistance identity among Palestinians weakens normalization projects and spreads a culture of martyrdom. The regime's "deterrence" strategy and, in the regional dimension, the creation of "strategic depth" for the resistance axis in the Zionist regime's peripheral environment have changed the security equations in favor of the resistance front.

Cite this article: Rahimipour, Ali; Yekdasht, Reza; (1404). Identifying and examining the effective dimensions of the soft power of the resistance axis on the regional security of the Zionist regime. Quarterly Futures Studies of Modern Interdisciplinary Studies, 1 (3), 25-47.



Publisher: AJA Imam Ali Military University
DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



شناسایی و بررسی ابعاد موثر قدرت نرم محور مقاومت بر امنیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

علی رحیمی پور^۱ | رضا یکدست^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه تاکتیک، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران، رایانامه:

Alirahimipour2531983@gmail.com

۲. گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران، رایانامه: reza13710320@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	زمینه و هدف: تبیین ابعاد نظری و عملی قدرت نرم و بررسی چگونگی تأثیر آن بر سیاست‌های بین‌المللی با تمرکز بر نقش جمهوری اسلامی ایران است.
مقاله پژوهشی	روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کاربردی است. از نظر رویکرد، این تحقیق در چارچوب تحلیل نظری و مقایسه‌ای انجام می‌شود و بر ادغام یافته‌های نظری با داده‌های تجربی موجود درباره عملکرد قدرت نرم ایران تمرکز دارد.
تاریخ دریافت:	یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محور مقاومت تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم، توانسته است امنیت رژیم صهیونیستی را در ابعاد مختلف به چالش بکشد.
تاریخ بازنگری:	نتیجه‌گیری: در بعد مشروعیت‌بخشی، گفتمان مقاومت با تکیه بر مفاهیمی چون "اشغالگری" و "نظام نژادپرست"، در بعد امنیت داخلی، تقویت هویت مقاومت در میان فلسطینیان موجب تضعیف پروژه‌های عادی‌سازی و گسترش فرهنگ شهادت‌طلبی، استراتژی "بازدارندگی" رژیم و در بعد منطقه‌ای، ایجاد "عمق استراتژیک" برای محور مقاومت در محیط پیرامونی رژیم صهیونیستی، معادلات امنیتی را به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است.
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها:	
قدرت، رژیم صهیونیستی، مقاومت اسلامی، امنیت، قدرت نرم	

استناد: رحیمی پور، علی؛ یکدست، رضا؛ (۱۴۰۴). شناسایی و بررسی ابعاد موثر قدرت نرم محور مقاومت بر امنیت

منطقه‌ای رژیم صهیونیستی. فصلنامه آینده‌پژوهی مطالعات بین رشته‌ای نوین، ۱ (۳)، ۴۷-۲۵.

ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)

DOI: DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



مقدمه

در نظام بین الملل کنونی، مفهوم قدرت دیگر صرفاً در قالب عناصر سخت افزاری نظیر تسلیحات، اقتصاد یا جمعیت تعریف نمی شود، بلکه ابعاد نرم افزاری قدرت - شامل فرهنگ، اندیشه، رسانه و مشروعیت سیاسی - به یکی از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذاری کشورها بر محیط پیرامونی و نظام جهانی تبدیل شده است (نای^۱، ۱۳۸۹) قدرت نرم، به تعبیر جوزف نای، توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران از طریق جاذبه و اقناع به جای اجبار و تهدید است؛ به بیان دیگر، کشورهایی که می توانند ارزش ها، فرهنگ، و سیاست های خود را به گونه ای عرضه کنند که دیگران آن را مطلوب و مشروع بدانند، در عرصه جهانی از نفوذ بیشتری برخوردار خواهند شد (نای، ۱۳۹۷)

در این چارچوب، قدرت نرم به ابزاری راهبردی در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است. بسیاری از بازیگران بین المللی از طریق ابزارهایی چون رسانه، دیپلماسی عمومی، صادرات فرهنگی، آموزش عالی و فعالیت های بشردوستانه، در پی تقویت چهره خود در نظام جهانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی بین المللی هستند (ملی سی^۲، ۱۳۸۷). این روند به ویژه در دهه های اخیر در رقابت میان قدرت های منطقه ای و جهانی برجسته تر شده است، به گونه ای که حتی بازیگران غیردولتی نیز از ظرفیت های قدرت نرم برای پیشبرد اهداف خود بهره می برند (سلیمی، ۱۳۹۶).

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با تمدنی کهن، نظامی ارزشی و ایدئولوژیک و سرمایه های فرهنگی و مذهبی عمیق، از ظرفیت های گسترده ای برای بهره گیری از قدرت نرم برخوردار است. گفتمان انقلاب اسلامی، با تأکید بر عدالت، استقلال، مقاومت در برابر سلطه طلبی و حمایت از ملت های مظلوم، زمینه ای فراهم کرده است تا ایران بتواند در محیط منطقه ای و فرمانطقه ای نفوذی فراتر از قدرت سخت خود کسب کند (سیدعباس، ۱۳۹۸؛ فلاح نژاد، ۱۳۹۹). قدرت نرم ایران، برخلاف الگوهای غربی مبتنی بر مصرف گرایی یا لیبرالیسم فرهنگی، بر پایه ارزش های الهی، عدالت محوری و هویت اسلامی شکل گرفته است که خود موجب تمایز گفتمان سیاسی ایران در نظام بین الملل شده است (کاظمی، ۱۳۹۴).

¹ Nye² Melissen

از منظر ژئوپلیتیکی، یکی از صحنه‌های اصلی تجلی قدرت نرم ایران، منازعه طولانی با رژیم صهیونیستی است. ایران با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم همچون حمایت از آرمان فلسطین، گسترش گفتمان مقاومت، تقویت شبکه‌های فرهنگی و رسانه‌ای منطقه‌ای و جهانی و برقراری پیوندهای اعتقادی و انسانی با ملت‌های مسلمان، توانسته است نوعی نفوذ فرهنگی و سیاسی علیه رژیم صهیونیستی ایجاد کن (هانتر^۱، ۲۰۱۹)؛ این نفوذ نه تنها در قالب تقابل نظامی مستقیم تعریف نمی‌شود، بلکه بیشتر در حوزه‌های افکار عمومی، مشروعیت‌زدایی از رژیم اشغالگر و برجسته‌سازی مقاومت ملت فلسطین در سطح بین‌المللی نمود یافته است (دهقان، ۱۴۰۱؛ رستمی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی که به‌طور سنتی بر قدرت سخت و حمایت‌های غربی متکی بوده، در برابر گسترش نفوذ نرم ایران دچار چالش‌های راهبردی شده است. تلاش این رژیم برای مقابله با دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای ایران در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، بیانگر درک آن از تهدیدی است که قدرت نرم ایران می‌تواند برای مشروعیت و موقعیت بین‌المللی‌اش ایجاد کند (ارون^۲، ۲۰۲۰)؛ موسوی، ۱۳۹۹. در واقع، در جنگ‌های شناختی و رسانه‌ای عصر جدید، برتری نظامی به‌تنهایی ضامن پیروزی سیاسی نیست، بلکه «جاذبه گفتمانی» و توان تأثیرگذاری فرهنگی نیز تعیین‌کننده است (نیکفر، ۱۳۹۵).

بر این اساس، بررسی ابعاد قدرت نرم و چگونگی تأثیر آن بر سیاست‌های بین‌المللی، به‌ویژه در چارچوب رقابت ایران و رژیم صهیونیستی، از اهمیت نظری و کاربردی بالایی برخوردار است. از لحاظ نظری، این پژوهش به تعمیق فهم از مفهوم قدرت نرم در بستر ژئوپلیتیکی خاص خاورمیانه کمک می‌کند و از منظر کاربردی، می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌های مؤثر فرهنگی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی باشد (طاهری، ۱۴۰۰).

در پایان، با توجه به اهمیت روزافزون رقابت‌های نرم در جهان چندقطبی و نقش تعیین‌کننده تصویر بین‌المللی کشورها در تحقق منافع ملی، مسئله اصلی این پژوهش آن است که ابعاد و ابزارهای قدرت نرم ایران چه جایگاهی در شکل‌دهی به سیاست‌های

¹ Hunter

² Eran

بین‌المللی دارند و چگونه می‌توان از این ظرفیت‌ها برای مقابله با راهبردهای نفوذ و مشروعیت‌سازی رژیم صهیونیستی بهره گرفت؟ این پرسش، مبنای تحلیل اصلی مقاله بوده و مسیر پژوهش را در جهت شناخت سازوکارهای قدرت نرم ایران و پیامدهای آن برای نظام بین‌الملل ترسیم می‌کند.

مبنای نظری و پیشینه‌های پژوهش

افشین و دستجردی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان حضور اسرائیل در قفقاز و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با کاربرد نظریه بازیها): ظهور منطقه قفقاز جنوبی (همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) نگاه بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را که به دنبال یافتن عرصه‌ای جدید برای همکاری، رقابت و تنازع در راستای به دست آوردن سهم بیشتری از قدرت و منافع در این منطقه بودند، به خود جلب کرد. اسرائیل به عنوان یکی از قدرت‌های فرمانطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس دکترین بن گوریون و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در این منطقه را از خود نشان داده است. کشورهای منطقه نیز به خاطر مشکلات اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای خود، بهره‌گیری از توانایی‌های اسرائیل را در راستای منافع خود مفید قلمداد نموده‌اند. اما مسئله حایز اهمیت در این میان، قرار گرفتن این منطقه در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی-ایدئولوژیکی این کشور با اسرائیل می‌باشد بطوری که حضور و گسترش نفوذ اسرائیل در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی-امنیتی به منزله کاهش نفوذ و تاثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در پیگیری منافع ملی‌اش در این منطقه می‌باشد. بر این اساس مقاله حاضر با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها در روابط بین‌الملل به بررسی تعاملات ایران و اسرائیل در منطقه قفقاز می‌پردازد و با تجزیه و تحلیل مراتب این تعاملات روابط بین دو کشور را به مثابه یک بازی برد و باخت تلقی می‌کند.

افاق (۱۳۹۱): امنیت از نظر اندیشه‌های زیرساختی میان یهود و شهروندان و دولتمردان و تئوریسین‌های رژیم صهیونیستی امری قدسی است. قالبهای ایدئولوژیک امنیت در اسرائیل براساس ادبیات و آموزه‌های صهیونیسم شکل گرفته است. قواعد و آموزه‌های امنیتی و امنیت کردن به معنی خارج کردن پدیده از حوزه عمومی به حوزه ویژه ذاتشناسی مفهوم امنیت در ذهنیت اسرائیلی است. امنیت بر مبنای فرهنگ راهبردی،

منبعث از آموزه‌های اندیشه ای به مثابه عمق راهبردی در نظام معنایی گتویی و آیین رژیم صهیونیستی و فرهنگ راهبردی است که به متغیرها و تهدیدهای وجودی و کیانی معنا میبخشد. هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی تابعی از همه مولفه‌هایی است که منطبق آن در قرنهای ۱۸ و ۱۹ میان گتوهای صهیونیستی نضج گرفت. ادبیات امنیتی چنین مجموعه‌های براساس رهیافت‌های تلمودی سازماندهی شده است. این مبانی و نگاه هستی‌شناسانه امنیتی در سازمان رزم و نهادهای امنیتی، به مثابه پارادایم حاکم در حوزه مسائل شناختی و معرفتی پدیده‌های عینی در جغرافیای فعلی رژیم صهیونیستی است. می‌توان گفت امنیت در منطق اسرائیلیها به معنی جاودانه کردن وضع موجود است و خشونت نظاممند، نشانه قدرت است که از سطح نظری امنیت به سیاست عملی امنیتی تبدیل شده است. لایه‌های هویتی یهود در ابعاد فرهنگی، مذهبی، زبانی و قومی تعریف شده است؛ از این رو، لایه‌های هویتی در امنیت هالخایی قابل بازخوانی است. عقل و عقانیت یهودی به دکرترین انتظار امنیتی سوق میدهد. در تعریفی نو از امنیت، دفاع از هستی، شفافترین تعریف از مقوله امنیت است. در این مقاله تالش شده است مبانی هستی‌شناسی تفکر امنیتی اسرائیل مورد بررسی قرار گیرد. در این ارتباط نشانه‌هایی از ساختار سیاسی در اسرائیل وجود دارد که به عنوان عامل اصلی تداوم هستی‌شناسی گتویی محسوب می‌شود. هستی‌شناسی امنیت فرقه ای به این دلیل تداوم یافته است که رژیم صهیونیستی چنین رویکردی را بازتولید می‌کند.

لطفیان (۱۳۹۵): هدف اصلی این پژوهش شناسایی تهدیدهای امنیتی (به ویژه تهدیدهای نظامی ناشی از برنامه‌های تولید تسلیحات هسته‌ای) اسرائیل، بررسی تاثیر این تهدیدها بر محیط امنیت منطقه ای خاورمیانه، و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آنهاست. پرسش‌های پژوهشی عبارتند از: ۱. دیدگاه راهبردی و اصول سیاستهای امنیت ملی اسرائیل چیست؟ ۲. مهمترین تهدیدهای امنیتی اسرائیل برای کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ ۳. کشورهای منطقه باید چه سیاست‌هایی را برای مقابله با این تهدیدها در سیاستگذاری دفاعی خود در نظر بگیرند؟ نتیجه کلی اینکه اگرچه سیاست‌های امنیتی اسرائیل برای خاورمیانه تهدید به شمار می‌آید، به دلایل بیشماری، از جمله آسیب‌پذیری فزاینده اقتصادی ناشی از میلیتاریسم، وابستگی خارجی به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه ای به ویژه آمریکا، درگیری‌های سیاسی، اقتصادی- اجتماعی داخلی، برجسته‌تر شدن نقش سیاسی و فعالیت‌های مسلحانه گروه‌های تروریستی،

تضعیف و در نهایت برکناری دولت های غیرمردمی و اقتدارگرای غربگرا در خاورمیانه، دولت نتانیاهو به اهداف راهبردی خود نخواهد رسید. در شرایطی که توازن قوای منطقه خاورمیانه به نفع دولتها، رهبران و ملت های خواهان آزادی، مردم سالاری و عدالت اقتصادی- اجتماعی در حال تحول است، سیاست های ناکارآمد نظامیگری، گسترش طلبی و جنگ افروزی به موفقیت حامیان آنها نمی انجامد.

اکبری (۱۳۸۹): انقلاب اسلامی با گفتمان عدالت محوری برای بشریت و ایستادگی و مقاومت در مقابل استکبار توانسته است گفتمان مقاومت را در منطقه توسعه دهد و با ارائه الگوی شیعی، پیروزی و مقاومت در برابر ظلم و ستم را نوید بخشد. همچنین باورهای شیعی، به عنوان یکی از مولفه های قدرت در انقلاب اسلامی نقش قابل ملاحظه ای در شکل گیری هویت ظلم ستیز جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت و تهدیدات امنیتی ناشی از آن برای اسرائیل داشته است. لذا غلبه اندیشه شیعی بر انقلاب اسلامی و محور مقاومت ضمن آنکه مولفه مهمی از قدرت فراملی را به وجود می آورد، مشروعیت اسرائیل به عنوان موجودیتی سیاسی که در نتیجه ظلم و ستم بر ساکنین واقعی فلسطین شکل گرفته است را با تردید مواجه می سازد و امنیت و بقاء آن را به چالش می کشد. بر همین اساس، فوکویاما در کنفرانس اورشلیم با عنوان بازشناسی هویت شیعه می گوید: «شیعه پرنده ای است که بالاتر از تیررس ما (غرب و اسرائیل) پرواز می کند. این پرنده دو بال سبز و سرخ دارد که بال سبز آن مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ آن عاشورا و شهادت طلبی است. این پرنده زرهی به تن دارد که آن زره ولایت فقیه است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کاربردی است که هدف آن، تبیین ابعاد نظری و عملی قدرت نرم و بررسی چگونگی تأثیر آن بر سیاست های بین المللی با تمرکز بر نقش جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش، از روش تحلیل کیفی مبتنی بر اسناد و داده های ثانویه استفاده شده است. بدین معنا که داده ها از منابع کتابخانه ای، اسناد رسمی، گزارش های بین المللی، مقالات علمی، و تحلیل های سیاستی معتبر گردآوری و سپس به صورت نظام مند تحلیل شده اند.

ماهیت پژوهش حاضر، بنیادی-کاربردی است. از حیث هدف، پژوهش با هدف تبیین الگوی تحلیلی جدیدی از قدرت نرم ایران در نظام بین الملل انجام گرفته است. از نظر

رویکرد، این تحقیق در چارچوب تحلیل نظری و مقایسه‌ای انجام می‌شود و بر ادغام یافته‌های نظری با داده‌های تجربی موجود درباره عملکرد قدرت نرم ایران تمرکز دارد. قلمرو موضوعی پژوهش، حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات قدرت نرم در بستر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از نظر مکانی، پژوهش به بررسی منطقه خاورمیانه به‌عنوان میدان اصلی بروز و رقابت قدرت نرم ایران با رژیم صهیونیستی می‌پردازد. از نظر زمانی، بازه‌ی مورد مطالعه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) تا سال‌های اخیر (۱۴۰۳) را دربرمی‌گیرد تا بتوان تحولات راهبردی و رسانه‌ای را در یک چارچوب تاریخی پیوسته تحلیل کرد.

برای گردآوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. منابع گردآوری شده شامل:

آثار نظری کلاسیک در حوزه قدرت نرم و سیاست بین‌المللی، مقالات و پژوهش‌های علمی درباره قدرت نرم ایران، دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌های بین‌المللی.

اسناد رسمی وزارت امور خارجه، بیانیه‌ها و مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران.

تحلیل‌های اندیشکده‌های بین‌المللی مرتبط با رقابت نرم در خاورمیانه

تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل مضمون و رویکرد استقرایی انجام شده است. ابتدا

مضامین کلیدی مرتبط با قدرت نرم، سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی از متون استخراج شد، سپس در قالب سه محور اصلی طبقه‌بندی گردید:

مؤلفه‌های نظری و مفهومی قدرت نرم.

ابزارهای قدرت نرم ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی.

پیامدهای بین‌المللی استفاده از قدرت نرم در مواجهه با رژیم صهیونیستی.

چارچوب مفهومی پژوهش بر مبنای تلفیق نظریه قدرت نرم جوزف نای با الگوی اسلامی -

انقلابی جمهوری اسلامی ایران و همچنین مکتب کپنهاگ دنبال شده است. در این

چارچوب، قدرت نرم ایران نه تنها بر عناصر فرهنگی و رسانه‌ای، بلکه بر مشروعیت دینی،

گفتمان مقاومت، و هویت تمدنی اسلامی - ایرانی استوار است.

از جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق پرداختن به متغیرهای جمعی قدرت در حوزه

تهدیدات امنیتی اسرائیل از جانب محور مقاومت با مرکزیت ایران از جنبه ای جدید

برخوردار است که به طور جامع همه متغیرهای تاثیرگذار را مورد بررسی و مذاقه قرار می

دهد و در تحقیقات دیگر چنین سابقه ای مشهود نیست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس تحلیل محتوای کیفی داده‌های گردآوری‌شده، یافته‌های پژوهش در سه محور اصلی شامل منابع قدرت نرم ایران، ابزارهای اجرایی آن در سیاست خارجی، و پیامدهای بین‌المللی استفاده از قدرت نرم در برابر رژیم صهیونیستی ارائه می‌شود.

۱- منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم ایران از سه منبع بنیادی تغذیه می‌کند:

۲- هویت فرهنگی-تمدنی:

ایران دارای پیشینه‌ای چند هزارساله در عرصه فرهنگ، علم، و اخلاق است که در دوران معاصر نیز از طریق هنر، ادبیات، فلسفه و معنویت اسلامی بازتولید می‌شود. این سرمایه فرهنگی باعث می‌شود تا پیام انقلاب اسلامی نه تنها در جوامع اسلامی بلکه در کشورهای غیرمسلمان نیز مخاطب پیدا کند (صادقی، ۱۴۰۱).

۳- گفتمان انقلاب اسلامی:

این گفتمان بر پایه مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، مقاومت در برابر سلطه و حمایت از مستضعفان استوار است. این ارزش‌ها توانسته‌اند الگویی متفاوت از نظم بین‌المللی غرب‌محور ارائه دهند و نوعی «مشروعیت گفتمانی» برای ایران ایجاد کنند (کاظمی، ۱۳۹۶).

مشروعیت دینی و سیاسی نظام:

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه پیوند دین و سیاست شکل گرفته است که در قالب ولایت فقیه، مردمسالاری دینی و ارزش‌های اسلامی نمود دارد. این ساختار موجب تقویت همبستگی ملی و افزایش جذابیت در جوامع اسلامی شده است (رضایی، ۱۳۹۷).

۴- ابزارهای قدرت نرم ایران در عرصه بین‌المللی

قدرت نرم ایران از طریق مجموعه‌ای از ابزارهای متنوع فرهنگی، رسانه‌ای و دیپلماتیک اعمال می‌شود:

۱-۴- دیپلماسی فرهنگی و مذهبی:

ایران با برگزاری کنفرانس‌ها، هفته‌های فرهنگی، اعزام روحانیون، و تأسیس مراکز فرهنگی در کشورهای مختلف، در پی گسترش گفت‌وگوهای بین‌تمدنی و معرفی چهره‌ای فرهنگی

و صلح طلب از اسلام است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت (ع) از مهم‌ترین نهادهای فعال در این عرصه هستند (طباطبائی، ۱۴۰۲)

۲-۴ دیپلماسی رسانه‌ای:

رسانه‌های بین‌المللی ایران نظیر شبکه‌های «پرس تی‌وی»، «العالم» و «الکوثر» با هدف تقابل با انحصار رسانه‌ای غرب و رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کنند. این رسانه‌ها ضمن ارائه روایت‌های جایگزین از تحولات منطقه، در مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های اسرائیل و دفاع از آرمان فلسطین نقش مؤثری داشته‌اند (مؤسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل‌آویو، ۲۰۲۱)

۳-۴ دیپلماسی علمی و نخبگانی:

ایران از طریق گسترش تعاملات دانشگاهی، اعطای بورسیه به دانشجویان خارجی و برگزاری نشست‌های علمی بین‌المللی، به جذب نخبگان منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد. این سیاست منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از پیوندهای فکری و فرهنگی میان ایران و جهان اسلام شده است (هانتز، ۱۲۰۱۹)

۴-۴ دیپلماسی بشردوستانه و امدادسانی:

ایران در حوادث طبیعی و بحران‌های انسانی منطقه مانند لبنان، سوریه، یمن و فلسطین، با اعزام کمک‌های انسان‌دوستانه، تصویری مثبت از خود در سطح افکار عمومی جهان اسلام ایجاد کرده است. این اقدامات نوعی دیپلماسی اخلاقی محسوب می‌شود که سرمایه نمادین ایران را افزایش می‌دهد (اسفندیاری، ۱۴۰۰).

۵- تأثیرات قدرت نرم ایران بر سیاست‌های بین‌المللی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری هوشمندانه از قدرت نرم توانسته است موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را در نظام منطقه‌ای و جهانی بهبود بخشد. این تأثیرات در سه سطح قابل تبیین است:

۱-۵ سطح منطقه‌ای:

قدرت نرم ایران موجب تقویت محور مقاومت و افزایش همگرایی میان نیروهای ضد صهیونیستی در منطقه شده است. نفوذ فرهنگی ایران در میان ملت‌های لبنان، عراق،

سوریه و فلسطین نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت به یک الگوی فراملی تبدیل شده است (رحیمی، ۱۴۰۰).

۲-۵ سطح بین‌المللی:

در سطح جهانی، قدرت نرم ایران توانسته است تصویر متفاوتی از اسلام ارائه دهد و در برابر گفتمان اسلام‌هراسی غرب ایستادگی کند. این تصویر جدید، اسلام را دینی عدالت‌خواه و عقل‌مدار معرفی می‌کند که با تروریسم و افراط‌گرایی تفاوت دارد (نای، ۲۰۲۱).

۳-۵ سطح شناختی و رسانه‌ای:

قدرت نرم ایران در حوزه جنگ شناختی و رسانه‌ای علیه رژیم صهیونیستی بسیار مؤثر بوده است. ایران با استفاده از رسانه‌های چندزبانه و شبکه‌های اجتماعی توانسته است مشروعیت رژیم اسرائیل را در سطح افکار عمومی جهانی به چالش بکشد (م مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

۶- چالش‌ها و محدودیت‌های قدرت نرم ایران

با وجود دستاوردهای قابل توجه، ایران در بهره‌گیری از ظرفیت‌های قدرت نرم خود با چالش‌هایی نیز مواجه است، از جمله:

تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های ارتباطی که مانع از گسترش تعاملات فرهنگی می‌شود.

جنگ روایت‌ها و سلطه رسانه‌ای غرب که موجب تحریف پیام انقلاب اسلامی می‌گردد. کمبود سرمایه‌گذاری هدفمند در حوزه صنایع فرهنگی، رسانه‌های نوین و دیپلماسی دیجیتال.

بالین حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که تقویت قدرت نرم ایران در گرو یکپارچگی راهبردی میان نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی است تا بتوان در برابر فشارهای خارجی و رقابت‌های شناختی جدید مقاومت کرد.

محور مقاومت

این مفهوم برای نخستین بار در واکنش به عبارت «محور شرارت» جورج بوش در سال ۲۰۰۲ از سوی روزنامه لیبیایی «الزحف الأخضر» مطرح شد. بر اساس این نگاه، کشورهای که از سوی آمریکا محور شرارت خوانده می‌شوند، در واقع در برابر سلطه‌گری ایالات متحده مقاومت می‌کنند. گفتمان مقاومت دارای دو بُعد سلبی (نفی سلطه و استکبار) و ایجابی (عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، عزت‌طلبی و استقلال‌طلبی) است (رضاخواه، ۱۳۹۱). پس

از پیروزی انقلاب اسلامی، محور مقاومت به رهبری ایران و با حضور سوریه، حزب الله و حماس در تقابل با محور سازش به رهبری عربستان شکل گرفت. (صادق غفوری، ۱۳۹۰) مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی این مکتب که توسط باری بوزان، الی ویور و دیگران پایه‌گذاری شده، بر استقلال مطالعات امنیتی از مطالعات صرفاً راهبردی تأکید دارد و می‌کوشد امنیت را از حصار بُعد نظامی خارج کند. این مکتب با طرح مفاهیمی مانند «امنیتی‌سازی» و «امنیت منطقه‌ای»، ابعاد غیرنظامی امنیت از جمله امنیت اجتماعی و هویت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (خلیلی، ۱۳۸۵).

مبانی هستی‌شناختی مکتب کپنهاگ اگرچه این مکتب موضع صریحی در مباحث فرانظری ندارد، اما با تأکید بر نقش هنجارها، فرهنگ و هویت در شکل‌گیری امنیت، رویکردی سازه‌نگارانه دارد. به باور بوزان و ویور، امنیت تنها بر اساس واقعیت‌های عینی تعریف نمی‌شود، بلکه هویت‌های ساخته‌شده در بستر اجتماع نیز در تعریف «تهدید وجودی» برای دولت‌ها و جوامع نقش اساسی دارند. در این نگاه، هویت امری سیال و برساخته از طریق فرآیندهای اجتماعی است.

مبانی شناخت‌شناسی مکتب کپنهاگ مکتب کپنهاگ در عرصه شناخت‌شناسی، موضع میانه‌ای بین اثبات‌گرایی و پسااثبات‌گرایی اتخاذ می‌کند. این مکتب از یکسو، تأکید صرف اثبات‌گرایان (مانند مورگنتا) بر عناصر مادی امنیت را نقد می‌کند و از سوی دیگر، پسااثبات‌گرایان (مانند فمینیست‌ها و پست‌مدرن‌ها) را به غوطه‌ور شدن در مباحث انتزاعی غیرقابل فهم متهم می‌سازد. راهکار این مکتب، اتخاذ یک نگاه تفسیرگرا، تاریخی و ایدئوگرافیک است که در آن، به جنبه‌های منحصربه‌فرد پدیده‌های اجتماعی و ابعاد هنجاری در کنار ابعاد تحلیلی توجه می‌شود (بوزان، به نقل از خلیلی، ۱۳۸۵).

این مکتب، واقعیت را صرفاً یک امر عینی و مجهول نمی‌داند، بلکه بر این باور است که "واقعیت، تاریخ شناخت ماست و شناخت در بستر جمعی شکل می‌گیرد." از این رو، روش‌های مبتنی بر تجربه و مشاهده محض را به دلیل اراده‌مندی انسان‌ها، تغییر موقعیت و پیش‌فرض‌های پژوهشگر، برای تحلیل رفتارهای انسانی ناکافی می‌داند. راه حل پیشنهادی بوزان و ویور، ترکیب تحلیل‌های مادی با تحلیل ذهنی گزاره‌های تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی است. در این چارچوب، هیچ واقعیت عینی و پنهانی وجود ندارد،

بلکه واقعیت‌ها بر اساس استعداد، حافظه و محیط توسط کنشگران تعبیر و تفسیر می‌شوند و میان مشاهده‌گر و پدیده مشاهده‌شوندگان مرز روشنی نیست (بوزان و ویور، به نقل از خلیلی، ۱۳۸۵).

مفاهیم محوری مکتب کپنهاگ

۱- امنیت و امنیتی‌سازی

از نگاه بوزان، امنیت به صورت "رهایی از تهدید" و به عنوان پدیده‌ای چندبعدی (شامل ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تعریف می‌شود که مراجع آن تنها دولت‌ها نیستند، بلکه افراد، گروه‌های فراملی و سازمان‌های غیردولتی را نیز دربر می‌گیرد (بوزان، به نقل از خلیلی، ۱۳۸۵).

مفهوم کلیدی دیگر، "امنیتی‌سازی" است که به عنوان یک "کنش کلامی" تعریف می‌شود. در این فرآیند، یک کنشگر (امنیت‌ساز) با ارجاع به یک تهدید وجودی، موضوعی را از حیطه عادی سیاسی خارج کرده و به یک مسأله امنیتی تبدیل می‌کند. موفقیت این فرآیند منوط به پذیرش این ارجاع توسط مخاطبان و شکستن قوانین و رویه‌های عادی است (ویور، ۱۹۹۸). بالزاک^۱ این نظریه را بسط داده و امنیتی‌سازی را نه صرفاً یک کنش کلامی، بلکه یک "راهبرد عمل‌گرایانه" می‌داند که به سه عامل کارگزار، مخاطب و بافت وابسته است.

۲- جنگ، هویت و امنیت اجتماعی

به باور نظریه‌پردازان این مکتب، هویت نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز منازعات و جنگ‌ها دارد. به عنوان مثال، آقای نیومن^۲ با الهام از آرای بوزان و ویور، ریشه جنگ بالکان را در تقابل هویت‌های سیاسی و مذهبی مختلف می‌داند.

امنیت اجتماعی نیز به معنای حفظ "تعلقات و پیوندهای مشترک"ی است که هویت یک جامعه را شکل می‌دهد. این امنیت متعلق به "جهان زیست" و حاصل تعاملات بین‌الادهرانی است و فرهنگ نقش بسزایی در شکل‌دهی به آن ایفا می‌کند. تهدید علیه این هویت جمعی، به منزله تهدید علیه امنیت اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود (بوزان، به نقل از نویدینا، ۱۳۸۵).

1 Balzacq

2 Neumann

۳- امنیت منطقه‌ای

مکتب کپنهاگ با معرفی "نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای"، تحلیل امنیت را در سطح منطقه‌ای ضروری می‌داند. بوزان و ویور استدلال می‌کنند که دولت‌های یک منطقه به دلیل داشتن دغدغه‌های امنیتی مشترک، تاریخ، جغرافیا و فرهنگ نسبتاً یکسان، سرنوشت امنیتی پیوسته‌ای دارند و یک مجموعه امنیتی را تشکیل می‌دهند. در این نگاه، عامل ذهنی (یعنی تصور بازیگران از تعلق به یک منطقه) در کنار عامل عینی، در تعریف یک منطقه امنیتی حیاتی است (بوزان و ویور، به نقل از خلیلی، ۱۳۸۵).

تکوین و تکامل تاریخی محور مقاومت تحت رهبری ایران

جمهوری اسلامی ایران را می‌توان خاستگاه و هسته مرکزی «اندیشه مقاومت» در خاورمیانه دانست؛ این گفتمان که در پیوند با آموزه‌های انقلاب اسلامی و حمایت از مسئله فلسطین شکل گرفت، در قالب تشکلهایی مانند جنبش امل با نقش آفرینی امام موسی صدر و همکاری فرماندهانی چون مصطفی چمران به صورت سازمان یافته نمود یافت^۱. با پیروزی انقلاب و به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، تشکیل و سامان‌دهی نیروهای عراقی مهاجر در قالب تیپ/سپاه بدر در ایران، تبلور نفوذ سازمانی و ایدئولوژیک تهران در شبکه‌های مقاومت را نشان داد. تاریخ معاصر پژوهشکده تاریخ معاصر حضور نیروهای نزدیک به ایران در بحران سوریه و شکل‌گیری یگان‌هایی همچون لشکر فاطمیون و زینبیون، پارادایم فراملی و فرامذهبی محور را تقویت کرد و آن را از مجموعه‌ای پراکنده به یک ساختار راهبردی یکپارچه تبدیل نمود^۲. عملکرد حزب‌الله لبنان در جنگ سی‌وسه‌روزه (۲۰۰۶) و دیگر موفقیت‌های میدانی، ابهت ادعایی شکست‌ناپذیری نیروهای متعارف را زیر سؤال برد و اعتبار سیاسی-راهبردی محور مقاومت را افزایش داد^۳. در نتیجه، این تحولات -که هم شامل انسجام عملیاتی و کسب تجربه نظامی و هم شامل تقویت پیوندهای ایدئولوژیک و نهادی است- محور مقاومت را به عنوان «متغیری مستقل و تأثیرگذار» در محاسبات امنیتی منطقه تثبیت کرده است^۴.

1 imam-sadr.com

2 Academia

3 Hawzah.net

4 hds.sndu.ac.ir

نقش آفرینی محور مقاومت در بحران سوریه، زمینه ساز شکل گیری یک ساختار فرماندهی مشترک و هماهنگی عملیاتی میان نیروهای ایران، حزب الله، حشد الشعبی و ارتش سوریه شد که به کسب تجربه های نظامی بی سابقه انجامید (آلفونه، ۲۰۱۹)^۱ این همگرایی موجب ارتقای توان رزمی و مدیریتی محور مقاومت و تثبیت آن به عنوان بازیگری مؤثر در معادلات امنیتی منطقه گردید (منصوری، ۱۳۹۹) همچنین شکست طرح های غربی - عربی برای تضعیف سوریه، عراق و حزب الله، نشان دهنده تغییر موازنه قوا به نفع محور مقاومت و افزایش ظرفیت آن در رصد و خنثی سازی تهدیدات امنیتی بود (صادق غفوری، ۱۳۹۰).

بر اساس مبانی نظری مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی، امنیت منطقه ای به عنوان سطح تحلیلی مستقل و مؤثری در نظام بین الملل پساجنگ سرد مورد توجه قرار گرفته است. بوزان و ویور با ارائه «نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای» استدلال می کنند که اگرچه در دوران جنگ سرد، رقابت ابرقدرت ها مانع از بروز پویایی های امنیتی منطقه ای می شد، اما در شرایط کنونی، سطح منطقه ای از اهمیت فوق العاده ای در تحلیل امنیت بین الملل برخوردار شده است. این دیدگاه در میانه دو رویکرد جهان گرا و واقع گرا قرار می گیرد و بر نقش مؤثر مناطق در شکل دهی به منظومه قدرت جهانی تأکید می ورزد (نصری، ۱۳۸۱: ۵۸۶).

در این چارچوب، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در شکل دهی به یک مجموعه امنیتی منطقه ای جدید بود. این انقلاب با تکوین یک «هویت انقلابی - اسلامی» جدید، ملاک های متفاوتی برای تعریف «خودی» و «دیگری» در عرصه فراملی ایجاد کرد و بر اساس همین ملاک ها، مرزهای جدیدی میان دوست و دشمن ترسیم شد. تقابل با رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگر دست نشانده غرب، به یکی از ارکان اصلی این هویت جدید تبدیل گردید (اکبری، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳).

شکل گیری «محور مقاومت» تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران، تجلی عینی تأثیر هویت بر پویایی های امنیتی منطقه است. این محور که بازیگرانی چون سوریه، حزب الله لبنان و گروه های مقاومت فلسطینی را در بر می گیرد، با الهام از هنجارها و ارزش های انقلاب اسلامی، به بازیگری مؤثر در محیط امنیتی خاورمیانه تبدیل شده است. موفقیت های مقاومت در جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، نه تنها امنیت رژیم صهیونیستی را با چالش

1 Alfoneh

مواجه کرده، بلکه موازنه قوا در منطقه را نیز به نفع این محور تغییر داده است (مطهرنیا، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

هویت این مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ریشه در منابع هویت‌ساز انقلاب اسلامی ایران دارد. مهم‌ترین این منابع عبارتند از:

۱. هویت ضداستعماری و ضدغربی: انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی نه غربی»، نوک پیکان تقابل خود را متوجه غرب و نماینده منطقه‌ای آن یعنی رژیم صهیونیستی کرد. این هویت غرب‌ستیز در تقابل کامل با هویت غرب‌گرای رژیم صهیونیستی قرار دارد (آهویی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲. هویت اسلامی-شیعی: این هویت مبتنی بر مفاهیمی چون «امت‌محوری»، «عدالت‌خواهی» و «قاعده نفی سبیل» است. بر اساس نگاه امت‌محور، جمهوری اسلامی ایران خود را ملزم به دفاع از منافع امت اسلامی و مستضعفان جهان می‌داند و قدس شریف را مهم‌ترین مسئله جهان اسلام قلمداد می‌کند (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۱۲). عدالت‌خواهی نیز به عنوان ارزشی اسلامی، سیاست خارجی ایران را به حمایت از جنبش‌های عدالت‌خواه مانند حزب‌الله و حماس سوق داده است (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۳).

۳. قاعده نفی سبیل: این قاعده فقهی که سلطه کافران بر مسلمانان را نفی می‌کند، به عنوان یکی از پایه‌های هویتی محور مقاومت، هرگونه مشروعیت را از رژیم صهیونیستی سلب کرده و مقابله با آن را به یک تکلیف دینی تبدیل می‌کند (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۸). در نتیجه، محور مقاومت به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، با تکیه بر هویت اسلامی-انقلابی و با بهره‌گیری از راهبردهای نامتقارن، توانسته است معادلات امنیتی خاورمیانه را دگرگون کند و موجودیت رژیم صهیونیستی را با چالش‌های وجودی مواجه سازد. تداوم این روند، نقش تعیین‌کننده مؤلفه‌های هویتی و ایدئولوژیک را در شکل‌دهی به پویایی‌های امنیتی منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

این فصل با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه قدرت نرم، به تحلیل جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری اثرگذار در منظومه امنیتی خاورمیانه می‌پردازد. با تمرکز بر مفهوم «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» بوزان و ویور، این فصل استدلال می‌کند که ایران با تکیه بر سرمایه قدرت نرم برآمده از گفتمان مقاومت و هویت اسلامی-

انقلابی، نه تنها نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی به پویایی‌های امنیتی منطقه داشته، بلکه موجودیت رژیم صهیونیستی را به عنوان «تهدیدی وجودی» برای این مجموعه امنیتی به چالش کشیده است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان هسته مرکزی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای: مطابق نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مکتب کپنهاگ، بازیگران یک منطقه به دلیل «سرنوشت امنیتی مشترک» به شدت در هم تنیده می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با محوریت بخشیدن به گفتمان مقاومت، موفق به شکل دهی به یک چنین مجموعه‌ای حول خود شده است (بوزان و یور، ۲۰۰۳). برخلاف دوران جنگ سرد که نقش آفرینی منطقه‌ای ایران تا حد زیادی تحت الشعاع رقابت ابرقدرت‌ها بود، در دوران پساجنگ سرد، ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم و سخت، خود به یک قطب امنیتی مستقل تبدیل شده است (نصری، ۱۳۸۱: ۵۸۶).

هسته‌ی مرکزی این مجموعه امنیتی را «محور مقاومت» تشکیل می‌دهد که بازیگرانی چون سوریه، حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی و شبکه‌های مردمی در عراق و یمن را دربرمی‌گیرد. پیوند اعضای این محور، صرفاً یک اتحاد تاکتیکی مبتنی بر منافع مقطعی نیست، بلکه بر اساس یک «هویت امنیتی مشترک» شکل گرفته است که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارد (مطهرنیا، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

تبیین مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در چارچوب مکتب کپنهاگ:

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تعامل با مجموعه امنیتی منطقه‌ای، بر سه مؤلفه اصلی استوار است که همگی در چارچوب مکتب کپنهاگ و به ویژه مفهوم «امنیتی‌سازی» قابلیت تبیین دارند:

امنیتی‌سازی گفتمان مقاومت :

ایران با موفقیت توانسته است موجودیت رژیم صهیونیستی را نه به عنوان یک دولت-ملت عادی، بلکه به عنوان یک «تهدید وجودی» برای امت اسلامی و مستضعفان منطقه معرفی کند. این فرآیند امنیتی‌سازی که از طریق ابزارهای رسانه‌ای، فرهنگی و دینی صورت گرفته، موجب شکل‌گیری یک گفتمان مسلط مقاومت شده است (ویور، ۱۹۹۵). شهادت طلبی، ایثار و ظلم‌ستیزی به عنوان ارزش‌های بنیادین این گفتمان، به منابعی برای تولید قدرت نرم و سخت برای محور مقاومت تبدیل شده‌اند.

هویت‌سازی فراملی بر اساس الگوی امت‌محوری:

یافته‌ها مؤید آن است که یکی از کلیدی‌ترین عوامل قدرت نرم ایران، توانایی آن در ایجاد یک هویت فراملی مشترک است. بر خلاف دولت-ملت‌های سنتی که بر حاکمیت سرزمینی تأکید دارند، گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت «امت اسلامی»، مرزهای هویتی جدیدی را تعریف کرده است (آقای و رسولی، ۱۳۸۸: ۱۲). این هویت مشترک، زمینه همکاری و هماهنگی عملیاتی بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های همسو در منطقه را فراهم کرده است.

مشروعیت‌بخشی به کنش مقاومت:

جمهوری اسلامی ایران با تمسک به مفاهیم دینی همچون «عدالت‌خواهی»، «نفی سبیل» و «دفاع از مظلوم»، برای کنش مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی مشروعیت الهی و مردمی ایجاد کرده است (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۳). این مشروعیت‌بخشی، هزینه‌های اقدامات سخت‌افزارانه رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن را به طور قابل توجهی افزایش داده و فضای عمومی منطقه را به نفع محور مقاومت تغییر داده است.

پیامدهای راهبردی قدرت نرم ایران بر امنیت رژیم صهیونیستی:

اجرای موفقیت‌آمیز راهبرد قدرت نرم توسط ایران، پیامدهای عمیقی بر منظومه امنیتی رژیم صهیونیستی داشته است:

تغییر موازنه قوا:

شکل‌گیری محور مقاومت و توانمندی‌های روزافزون آن، انحصار قدرت سخت رژیم صهیونیستی در منطقه را شکسته است. پیروزی‌های مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، اسطوره شکست‌ناپذیری این رژیم را در هم شکست و موازنه قوا را به نفع بازیگران مقاومت تغییر داد (اکبری، ۱۳۹۲: ۵۳).

به چالش کشیدن مشروعیت:

گفتمان مقاومت با نفی مشروعیت وجودی رژیم صهیونیستی، پایه‌های ایدئولوژیک و هویتی آن را مستقیماً هدف قرار داده است. این امر، بحران مشروعیت را به یک تهدید استراتژیک پایدار برای این رژیم تبدیل کرده است.

افزایش عمق استراتژیک ایران:

ایران از طریق شبکه‌سازی با بازیگران غیردولتی و دولت‌های همسو، عمق استراتژیک خود را تا مرزهای رژیم صهیونیستی گسترش داده و توانسته است یک بازدارندگی مؤثر و کم‌هزینه ایجاد کند.

تحلیل یافته‌ها در این فصل نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از تحولات منظومه امنیتی خاورمیانه در دوران پساجنگ سرد، توانسته است با تکیه بر منابع قدرت نرم خود، نقش هسته مرکزی یک «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» را ایفا کند. محور مقاومت به عنوان تجلی عینی این مجموعه، نه یک ائتلاف موقت، بلکه یک پیکره یکپارچه با هویت و سرنوشت امنیتی مشترک است. موفقیت ایران در «امنیتی‌سازی» موجودیت رژیم صهیونیستی و «هویت‌سازی» فراملی، پایه‌های قدرت نرم این کشور را تشکیل می‌دهد که پیامدهای آن، تغییر بنیادین در معادلات امنیتی منطقه و به چالش کشیدن وجودی رژیم صهیونیستی بوده است. این تحلیل، ظرفیت چارچوب نظری مکتب کپنهاگ را در تبیین پویایی‌های پیچیده امنیتی خاورمیانه و نقش کانونی قدرت نرم در شکل‌دهی به این پویایی‌ها به خوبی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی ابعاد تأثیرگذاری قدرت نرم محور مقاومت بر امنیت رژیم صهیونیستی پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محور مقاومت تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم، توانسته است امنیت رژیم صهیونیستی را در ابعاد مختلف به چالش بکشد. در بعد مشروعیت‌بخشی، گفتمان مقاومت با تکیه بر مفاهیمی چون "اشغالگری" و "نظام نژادپرست" موفق شده است مشروعیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی را به طور سیستماتیک تخریب کند. همچنین در بعد امنیت داخلی، تقویت هویت مقاومت در میان فلسطینیان موجب تضعیف پروژه‌های عادی‌سازی روابط شده و گسترش فرهنگ شهادت‌طلبی، استراتژی "بازدارندگی" رژیم صهیونیستی را با چالش مواجه کرده است.

در بعد منطقه‌ای، ایجاد "عمق استراتژیک" برای محور مقاومت در محیط پیرامونی رژیم صهیونیستی، معادلات امنیتی منطقه را به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است. این امر از طریق مکانیسم‌های فرهنگی-ایدئولوژیک شامل تولید و ترویج گفتمان مقاومت و ایجاد هویت مشترک مبارزه با صهیونیسم، و نیز مکانیسم‌های رسانه‌ای-تبلیغاتی شامل روایت‌سازی رسانه‌ای از مبارزات مقاومت و افشای جنایات رژیم صهیونیستی محقق شده است.

نتایج راهبردی این تأثیرگذاری شامل بازتعریف معادله امنیتی از "تهدید سخت" به "تهدید نرم"، ایجاد بحران هویتی و مشروعیت برای رژیم صهیونیستی، و تغییر توازن قوای منطقه‌ای به نفع جبهه مقاومت بوده است. در مجموع، قدرت نرم محور مقاومت به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در معادلات امنیتی منطقه، توانسته است امنیت رژیم صهیونیستی را در تمامی ابعاد تحت تأثیر قرار دهد و آینده این رژیم را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

قدر دانی

از مدیریت فصلنامه به خاطر پیگیری‌ها و هماهنگی‌های لازم جهت پذیرش و چاپ پژوهش حاضر و نیز کلیه اندیشمندان و پژوهشگرانی که در خلال تحقیق خالصانه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات علمی و کارشناسی خود را ارائه نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- ابو احمد، عبدالحمید؛ مبانی سیاست، چاپ هشتم، (تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۰).
- عالم، عبدالرحمن؛ «بنیادهای علم سیاست»، چاپ هشتم، (تهران، نشرنی، ۱۳۸۰)
- سیف زاده، حسین؛ «اصول روابط بین الملل (الف و ب)»، چاپ دوم (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱)
- قوام، عبدالعلی؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ دهم (تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳)
- کاظمی، علی اصغر، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل»، چاپ اول، (تهران، نشر قومس، ۱۳۶۹)
- عامری، هوشنگ؛ اصول روابط بین الملل»، چاپ اول، (تهران، نشر آگاه،)
- وحیدی، موسی الرضا، فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم شماره چهار، زمستان ۱۳۸۶.
- فرزین نیا، زیبا؛ قدرت و سیاسی خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازشناس عناصر قدرت «مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴.
- مقتدر، هوشنگ، سیاست بین الملل و سیاست خارجی»، چاپ اول، (تهران، انتشارات مفهرس، ۱۳۷۰)

دوئرتی، جیمز و فالتراگراف، رابرت؛ نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه: علیرضا طیب - وحید بزرگی، چاپ اول، (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲)
 حاجیوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، (ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: انتشارات دان شگاه امام صادق (ع))
 بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
 خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مقاله فارسی

ابراهیمی، نبیاله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۱، ش ۲.
 احدی، افسانه (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی آمریکا و قدرت نرم ایران در صحنه عراق، معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

آدمی، علی و مهدی ذوالفقاری (۱۳۹۱)، «اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۹، بهار.
 آرت، هانا (۱۳۷۰)، قدرت مبتنی بر ارتباط، در کتاب: استیون لوکس، قدرت فر انسانی و شر شیطانی. ترجمه - فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۲، پاییز.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، جنگ نرم: رویکردی فرهنگی، در: میشل سی. ویلیامز، جنگ نرم فرهنگی، ترجمه مهدی ذوالفقاری، (مقدمه) اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

آقای، سیدداوود و رسولی، الهام (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۱۰.
 اکبری، حسین (۱۳۸۸)، «پدیده مقاومت، بستر ساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، س ۱۷، ش ۶۶.

امیدی، علی و مرادیفر، سعیده (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌های ایران»، فصلنامه پژوهش‌سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۴.

آهویی، مهدی (۱۳۸۸)، «تحول نگاه ایرانی به رژیم صهیونیستی: از گذشته تا حال، فصلنامه دانش سیاسی، س ۵، ش ۱۰.

بیکی، مهدی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

پارسای، رضا و مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۳)، «اثرگذاری محور ایران، سوریه و حزباله بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست دفاعی، س ۲۲، ش ۸۶.

جمالزاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، پاییز.

حر عاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۳۸۷)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).

خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۲)، حدیث ولایت، تهران: مؤسسه تنظیم آثار.

خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.

خلیلی، رضا (۱۳۸۵)، «تبارشناسی مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۹، ش ۳۳.

خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، صحیفه نور، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.

درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام: فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۱۶، زمستان.

درودیان، محمد (۱۳۷۹)، آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق)، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

ردادی، محسن (۱۳۸۹) منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی در اسلام. (مقدمه) اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

رسولی ثانیآبادی، الهام (۱۳۹۰)، «هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمانهای مختلف سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۵، ش ۹۶.

رشید، غلامعلی (۱۳۸۷)، بصیرت پاسداری، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

سبحانی، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربست عناصر هویتی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۵، ش ۲.

-عباسی، مجید و دیگران (۱۳۹۲)، «نظریه موازنه تهدید: دلایل ساختاری شکلگیری و گسترش اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی در خاورمیانه»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، س ۷، ش ۲۴.

عسگری، محمود، شاخص های قدرت منطقه ای «، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم، زمستان ۸۶

عطایی، فرهاد، روح الله قادری کنگاوری و نبی الله ابراهیمی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید»، فصلنامه سیاست، شماره ۳، پاییز.

علی اصغر ستوده و عابد اصلانی (۱۳۹۱)، «تأثیر جنبش های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، پاییز.

-غفاریهشجین، زاهد و علیزاده، قدسی (۱۳۹۱)، «مولفههای اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، س ۱، ش ۱.

کاظمی، علی اصغر، آرمانگرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۷

گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

-متمقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶)، «سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، ش

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، خلاصه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ششم.

نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.

نای، جوزف (۱۳۸۳)، قدرت نرم، ترجمه محمود عسگری، فصلنامه راهبردی دفاعی. سال دوم، شماره ۶، زمستان.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری (مقدمه) اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نصری، قدیر، تاملی روش شناختی بر مکتب بافتار منطقه ای امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۴

نغمه های سرخ (۱۳۸۱)، یادنامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

نهج البلاغه (بی‌تا) تدوین سیدرضی، قم: انتشارات دارالهجرة.

هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی» فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳، پاییز.

هرسیج، حسین، مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران» پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، بهار.

هولستی، ال. آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۹، بهار.

الویری، محسن (۱۳۸۶)، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۳۱، تابستان.

یاسوشی، واتانابه - و- کانل، دیوید مک. (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم ، ترجمه سیدمحسن روحانی، (مقدمه) اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

حزب الله لبنان، صادق غفوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸.

جنگ اسرائیل علیه لبنان؛ محیط راهبردی جدید در خاورمیانه، حسن تورکمانی، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ص ۴۱.

یک لبنان مقاومت، یک اسرائیل ادعا، حامد حجازی، انتشارات بقیةالعترة، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲.